



نکات مهم فصل اول

- ۱ - واژه (ایستوریا) به معنای جستجوی هر آنچه دانستنش ارزش داشته باشد است.
- ۲ - کلمه history به معنای تاریخ از واژه ایستوریا گرفته شده است.
- ۳ - واژه تاریخ به طور عام به معنی عهد، حساب، وقت و شناساندن وقت، بیان غایت امری یا علم به حوادث گذشته، زمان، تقویم و ... می باشد.
- ۴ - معانی ساده تاریخ چون روز و ماه و سال به متداول ترین اشکال توصیفی تاریخ چون وقایع نزدیک شد و دوران معنای تحت اللفظی تاریخ را یافت.
- ۵ - در عربی، تاریخ به معنای خبر است و متضمن قصه و حکایت بوده و مرزبندی زمانی ندارد.
- ۶ - برخی محققان واژه تاریخ را فارسی یا از اهل کتاب می دانند.
- ۷ - تاریخ در اصطلاح به معنای آشکار کردن احوال انبیاء، امامان، فرمانروایان، وزرا و خلفا و حوادث بزرگ مانند جنگ ها و فتوحات بر حسب زمان است.
- ۸ - برخی محققان نیز تعریف اصطلاحی تاریخ را در دو حوزه (علم حوادث گذشته بشری) و (علم قوانین این حوادث) خلاصه کرده اند.
- ۹ - پاره ای از صاحب نظران نیز تاریخ را بازتاب درگیری ها، تضادها و مبارزات جوامع مختلف بشری با یکدیگر می دانند و گاه در تعریف کلی تر، تاریخ را بسان نواری دانسته اند که همه درگیری ها، صلح ها، حوادث و دیگر مسائل جوامع روی آن ضبط شده است.
- ۱۰ - ابن خلدون در تعریف اصطلاحی تاریخ می نویسد:
تاریخ، اندیشه و تحقیق درباره رخدادها و مبادی آنها و کندوکاوی دقیق برای یافتن علت آنهاست. تاریخ علمی است درباره چگونگی وقایع، موجبات و علل واقعی آنها. به همین دلیل تاریخ از حکمت سرچشمه می گیرد و سزاوار است تا از دانش های آن محسوب شود و در ادامه می افزاید؛ حقیقت تاریخ خبر دادن از اجتماع انسانی، یعنی اجتماع جهان و کیفیاتی است که بر طبیعت این اجتماع عارض است.
- ۱۱ - امام خمینی (ره) در تعریف تاریخ آورده است:
بدان که بسیاری از علوم است که بر تقدیری، داخل یکی از اقسام ثلاثه است مثل علم تاریخ و امثال آن. و در صورتی که با نظر عبرت به تاریخ نگاه کنیم، علم به الله و معاد حاصل می شود.



- ۱۲ - فایده مطالعه تاریخ افزون بر درک درست وقایع، به کاربردی کردن علم تاریخ می انجامد.
- ۱۳ - تاریخ تمدن اسلامی یعنی بررسی سیر تمدن اسلامی در واحد زمان که شامل همه حوادث و وقایعی می شود که به تدریج تمدن اسلامی را به وجود می آورد.
- ۱۴ - مهمترین سودمندی تاریخ محض و یا حتی تاریخ تمدن، عبرت آموزی، تامل در احوال گذشتگان، آشنایی با عقاید و ادیان پیشینیان و همچنین شناخت دردها، آمال و تجارب آنهاست.
- ۱۵ - در سودمندی تاریخ، مورخ نکته سنج مصری می گوید:
- تاریخ اگر جز تذکار همین نکته که (دنیا بقایی ندارد و در آن هیچ چیز چنان که هست نمی ماند)، فایده دیگری نداشت، همین فایده برای آن بسنده بود.
- ۱۶ - گوته بر سودمندی تاریخ صحه می نهد:
- اگر تاریخ مورد حاجت هست، برای کمک به زندگی و عمل است نه برای آنکه انسان را از زندگی و عمل بازدارد.
- ۱۷ - فردریش ویلهلم نیچه در سودمندی و ناسودمندی تاریخ می نویسد:
- نشاط، وجدان آسوده، اقدام بی دغدغه خاطر و ایمان به آینده، همه اینها - چه در مورد فرد و چه در مورد ملت - بستگی به آن دارد که خط ممیزه ای بین آنچه آشکار و پدیدار است با آنچه تیره و نادیدنی است وجود داشته باشد؛ وابسته به آن است که شخص بتواند به هنگام فراموش کند و به هنگام به یاد بیاورد و با احساس قوی غریزی وقتی ضرورت تجربه تاریخی یا غیر تاریخی وجود دارد، مشاهده کند.
- ۱۸ - فردریش ویلهلم نیچه می افزاید:
- تاریخ بیش از همه به انسان فعال و قوی متعلق است؛ به آنکه درگیر نبردی عظیم است و به اسوه ها، آموزگاران و تشفی بخشان نیاز دارد.
- ۱۹ - اصلی ترین معنای تمدن، شهرنشینی و اقامت در شهر است و معادل واژه (شهرآیینی) و به معنای حسن معاشرت است.
- ۲۰ - واژه تمدن از کلمه لاتین (civilis) که برگرفته از (civis) یا (civitas) یعنی شارمند می باشد مشتق شده است.
- ۲۱ - در فرهنگ های لغت، زندگی متمدن در برابر زندگی بربرهای وحشی که فاقد زندگی شهرنشینی اند به کار برده می شود.



۲۲ - معنی تمدن نزد ادیبان و فرهنگ نامه نویسان ، تربیت و ادب است.

۲۳ - کلمه تمدن در عربی معادل واژه (الحضاره) به معنای اقامت در شهر است و از ریشه حَضَر به معنای شهر ، قریه و روستاست و در مقابل بدویت و بادیه نشینی قرار دارد.

۲۴ - معنی اصطلاحی تمدن ، اجتماع انسان و تعاون و مشارکت آنها در بدست آوردن نیازهایشان است.

۲۵ - تعریف اصطلاحی تمدن:

جامعه پذیری و نظم پذیری یا برقراری نظم اجتماعی برای همکاری و تعاون میان انسان ها و زمینه ای برای مقبولیت یک فرهنگ. از این منظر تمدن زندگی کردن با یکدیگر همراه با نظم معنا می شود که بر اثر آن خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود.

۲۶ - انسان از ابتدایی ترین شکل اجتماع ، یعنی چادر نشینی، بیابان گردی و صحرا نوردی که به نظر ابن خلدون اصل و گاهواره اجتماع و تمدن است ، زندگی کرده است.

۲۷ - نخستین کانون اجتماع تمدنی با ایجاد شهر بنیان شد و انسان به درجات بالای کمال طلبی و قانون شناسی نایل آمد.

۲۸ - تمدن را می توان محصول تلاش جمعی بشر دانست. و افراد جامعه جملگی حاملان آن به شمار می آیند.

۲۹ - نخستین مرحله اجتماع کامل ، زندگی مدنی است.

۳۰ - آرنولد توین بی ، تمدن را مترادف با حالتی می داند که در آن معدودی از افراد تنها در تولید غذا شرکت ندارند بلکه در امور اقتصادی دیگر چون صنعت و تجارت نیز دخیل اند. متخصصان غیر اقتصادی، روحانیان ، نظامیان حرفه ای و مدیران در شمار این گروهند و در آفرینش آثار غیر اقتصادی توانمندند و به نوعی عامل ایجاد ساختمان تمدن نیز به شمار می آیند.

۳۱ - عالی ترین شکل حیات جمعی با تقسیم کار جدی پدید می آید و تمدن شکل می گیرد. در واقع آنچه بر روند توسعه تمدنی موثر خواهد بود ، نظم اجتماعی به همراه نوآوری است.

۳۲ - از نظر توین بی ، عناصر مهم تشکیل تمدن بشری در درجه نخست ، علم و سپس قدرت و توانایی برای اجرای علم است.

۳۳ - در نتیجه امنیت و رونق اقتصادی ، زمینه کنجکاوی ، ابداع و اختراع فراهم خواهد آمد.



۳۴ - تمدن هایی چون عاد ، ثمود ، مدین و سبأ که مسیر تکاملی خود را به درستی پشت سر نهاده و مهمترین عوامل سازندهو تداوم تمدن چون دین و اخلاق را نادیده انگاشته اند ، به افول گراییدند.

۳۵ - تمدن اساسا " پدیده ای تاریخی است که در گذر زمان تحول یافته است.

۳۶ - اشکال تمدن بر اساس نوع تکوین :

اول. تمدن های قبیله ای یا کوچنده مبتنی بر حیات دامداری

دوم . تمدن های یکجا نشین مبتنی بر حیات کشاورزی

سوم . تمدن های شهر نشین مبتنی بر حیات تجاری .

چهارم . تمدن های شهر نشین مبتنی بر حیات صنعتی .

پنجم . تمدن های یکجا نشین مبتنی بر حیات دینی و ایدئولوژیک . تمدن اسلامی نمونه عالی این نوع تمدن است که اساس پژوهش کتاب حاضر است.

۳۷ - ارکان تمدن از نظر ویل دورانت:

اول. پیش بینی و احتیاط امور اقتصادی که رکن مهم حیات بشری است.

دوم . سازمان سیاسی (امنیت و نظم)

سوم . سنن اخلاقی که مقوم جامعه تمدنی است .

چهارم . بسط هنر و معرفت ، عالی ترین عنصر تمدن بشری و تجلی گاه ذوق و نبوغ آدمی است.

۳۸ - عوامل تاثیر گذار تمدن از نظر ویل دورانت یا ارکان ثابتی که در شکل گیری تمدن ها موثرند:

اول . دین

اساس ترین و مهم ترین رکن تمدن و مقوم آن است ، که می تواند با ابزارهای معنوی و فراملیتی ، ضمن هدایت جامعه به تمدن نیز هویت بخشد.

دوم. اخلاق

عامل پیوند دهنده اجتماع انسانی ، عامل بازدارنده خطا و نیز موجب رعایت حقوق دیگران در جامعه است.

سوم . جغرافیا